

شناخت عطایای روحانی و کاربرد آنها (۲۱)

اول قرن‌تین ۱۴: ۱ الی ۵

مرتبۀ عطای سخن گفتن به زبانها (بخش اول)

درس گذشته مطالعه باب سیزدهم اول قرن‌تین را پشت سر گذاشتیم و امروز بررسی فصل چهاردهم این رساله را که یکی از بحث‌انگیزترین بابهاست رو آغاز می‌کنیم.

برای سهولت مطالعه این باب، آنرا به سه بخش تقسیم بندی کردیم که تحت این عناوین هستند.

بخش اول: آیات ۱ الی ۱۹ تحت عنوان "مرتبۀ عطای زبانها": (پولس رسول قصد دارد که ثانوی بودن مرتبۀ عطای زبانها را نسبت به سایر عطایای روحانی نشان دهد)

بخش دوم: آیات ۲۰ الی ۲۵ تحت عنوان "هدف از عطای زبانها": (پولس در این بخش عطای تکلم به زبانها را بعنوان یک نشانه معرفی می‌کند)

بخش سوم: آیات ۲۶ الی ۴۰ تحت عنوان "دستورالعمل کاربرد عطای زبانها": (که در این قسمت آخر پولس قصد دارد تا نحوه استفاده صحیح از عطای واقعی تکلم به زبانها را بیاموزد)

مطالعه امروز ما، از بخش اول، تحت عنوان مرتبۀ عطای سخن گفتن به زبانهاست، که این جلسه به آیات ۱ الی ۵، اول قرن‌تین باب چهاردهم اختصاص دارد.

همانطور که در برنامه های گذشته اشاره کردیم، اعضای کلیسای قرن‌تس، بدلیل عدم شناخت صحیح از عطای تکلم به زبانها، این آموزه بی نظیر رو به انحراف کشیده بودند.

از این جهت، پولس در این بخش از رسالۀ خود، نه تنها قصد دارد تا آنها را با شرح حقایقی از عطای واقعی زبانها آشنا کند، بلکه کاربرد صحیح آن را نیز به آنها بیاموزد.

موضوع تکلم به زبانها، فقط بین مسیحیان آن زمان موضوع بحث انگیزی نبود، بلکه در مسیحیت امروزی هم مشکل بحث انگیزی است. به همین دلیل، در حین تفسیر آیه به آیه این بخش، به مسائل روز نیز اشاراتی خواهیم کرد.

پس توجه شما رو به مقدمه ای بر این موضوع مهم جلب می‌کنم.

مقدمه

اولین جایی که در کلام خدا به اختلاف زبانها اشاره دارد، پیدایش باب ۱۱ آیات ۱ الی ۹ می‌باشد که چنین می‌گوید.

پیدایش ۱۱: ۱ الی ۹ در آن روزگار همه مردم جهان به یک زبان سخن می‌گفتند. جمعیت دنیا رفته رفته زیاد می‌شد و مردم بطرف شرق کوچ می‌کردند. آنها سرانجام به دشتی وسیع و پهناور در بابل رسیدند و در آنجا سکنی گزیدند. مردمی که در آنجا می‌زیستند با هم مشورت کرده، گفتند: «بیایید شهری بزرگ بنا کنیم و برجی بلند در آن بسازیم که سرش به آسمان برسد تا نامی برای خود پیدا کنیم. بنای این شهر و برج مانع پراکندگی ما خواهد شد.» برای بنای شهر و برج آن خشتهای پخته تهیه نمودند. از این خشتهای بجای سنگ و از قیر بجای گچ استفاده کردند. اما هنگامی که خداوند به شهر و برجی که در حال بنا شدن بود نظر انداخت،

گفت: «زبان همه مردم یکی است و متحد شده، این کار را شروع کرده‌اند. اگر اکنون از کار آنها جلوگیری نکنیم، در آینده هر کاری بخواهند انجام خواهند داد. پس زبان آنها را تغییر خواهیم داد تا سخن یکدیگر را نفهمند.» این اختلاف زبان موجب شد که آنها از بنای شهر دست بردارند؛ و به این ترتیب خداوند ایشان را روی زمین پراکنده ساخت. از این سبب آنجا را بابل (یعنی «اختلاف») نامیدند، چون در آنجا بود که خداوند در زبان آنها اختلاف ایجاد کرد و ایشان را روی زمین پراکنده ساخت. (ترجمه تفسیری)

در واقعه برج بابل، خدا با تغییر زبان مردم، باعث اغتشاش و جدایی آنها شد. واقعه مشابه دیگر آن در کتاب مقدس، تکلم به زبانها در کلیسای قرن‌تس است که باعث اغتشاش و جدایی اعضای کلیسا شده بود.

بطوریکه، اعضای این کلیسا با جایگزین کردن وردخوانی، اصوات بی معنی و استفاده از روشهای بت پرستان در عبادت کلیسایی، باعث بی نظمی، اغتشاش و حتی بی حرمتی نام خداوند، شده بودند. به همین علت، پولس رسول یک باب از رساله خود را فقط برای رفع این مشکل اختصاص داده است.

همانطور که همه می دانیم، عطای زبانها یک عطای واقعی است که خدا به کلیسا بخشید. خدا در دوران اولیه کلیسا، برای تصدیق و رسمیت بخشیدن به پیامی که برای عصر جدید داشت، عطایای روحانی را به ایمانداران اعطا نمود. خداوند در عصر گذشته (یعنی عهدعتیق)، بتوسط پیامبران با پدران ما سخن می گفت، اما در روزهای آخر، او توسط پسرش عیسی مسیح پیامش را اعلام نمود.

پیام تازه ای بود که باید جهان (بخصوص یهودیان) می شنیدند، و آن این بود که آنها وارد عصر جدید با مکاشفه تازه ای از طرف خدا شده بودند که با آیات و معجزات همراه بود.

یکی از آن آیات و معجزات، قدرتی بود که خدا به رسولان و بعضی از همراهانشان بخشیده بود تا بتوانند به زبانهایی که نیاموخته بودند سخن بگویند.

از کلام خدا، قبلاً دریافتیم که عطای زبانها به مفهوم تکلم به زبان قابل فهم بیگانگان یا به اصطلاح امروزی، به خارجی صحبت کردن به زبانی که نمی دانیم، است.

بطوریکه در اعمال ۲: ۱۱ آمده، که وقتی شاگردان مسیح از روح القدس پر شدند و به زبانها صحبت کردند، زائرانی که از مناطق مختلف به اورشلیم آمده بودند، مدح اعمال عظیم خدا را به زبان خود شنیدند.

اما همانطور که در رساله اول قرن‌تس شاهدیم، استفاده این عطای الهی توسط اعضای کلیسای قرن‌تس به افراط و انحراف کشیده شده بود، بطوریکه در جلسات عبادتی شان بی نظمی، اغتشاش و حتی بی حرمتی نام خداوند دیده می شد.

البته از آن دوران تا به امروز، ورد خواندن با نشنگی در مذهب بت پرستان، کار بسیار متداولی بوده است.

در برنامه نوزدهم، به شیطان پرستان و گروهی هایی که در آفریقا به گونه ای نامفهوم وردگویی و تلکم به زبانها می کنند، اشاراتی داشتیم.

از اینجاست که پولس رسول برای حل این معضل کلیسایی، با هدایت روح القدس، سخنانش را با شرح رتبه عطای واقعی تکلم به زبانها، نسبت به سایر عطایا آغاز می کند و سپس به ذکر کاربرد صحیح آن می پردازد.

زمینه ای در رابطه با وضعیت کلیسای قرن نین

اجازه بدید تا در اینجا یک مرور اجمالی بر وضعیت کلیسای قرن نین در آن زمان داشته باشیم. رفتار و سبک زندگی اعضای کلیسای قرن نین با پذیرش روشهای دنیوی بتدریج آلوده شده بود. بعنوان مثال:

از مطالعه بابهای ۱ - ۴ این رساله (رساله اول قرن نین)، در می یابیم که اعضای کلیسا به فلسفه های دنیا آلوده شده بودند،

در باب ۳، می خوانیم که اعضای کلیسا مثل روشهای دنیا، قهرمان ستایی می کردند
بابهای ۵ - ۶، اشاره به گناهی می کند که حتی ذکر آن در بین بی ایمانان شرم آور است.

در باب ۶ می خوانیم که اعضای کلیسا از یکدیگر به دادگاه شکایت می کردند

در باب ۷، معیار و ارزشهای ازدواج و خانواده را زیر پا گذاشتند

در بابهای ۸ - ۱۰، مراسم و اعیاد آنان نیز آلوده به شرکت در بت پرستی شده بود

باب ۱۱، جایگاه و مقام زن را در کلیسا را از دست دادند

در باب ۱۲، ساختار عطایای روحانی را بطور کل بهم زدند

و در نهایت در باب ۱۳، محبت نداشتند

پس، تمام روشهای بی دینان و غیرمسیحیان که در جامعه آن زمان متعارف بود به آرامی در کلیسا رخنه کرد. با نفوذ آن سیستم غلط، اعمال غلط مذهبی نیز شامل حالات خلستگی، احساسات و هیجانات نیز وارد عبادت کلیسایی شان شد.

بعبارتی مراسم کلیسایی، اختلاطی از حقیقت و دروغ شده بود.

مشابه آن را امروزه در فرقه کاتولیکهای روم شاهدیم، که اختلاطی از مسیحیت کتاب مقدسی و پرستش مادر و فرزند بت بعل، به نامهای اشتروت و تموز (Ashteroth and Tammuz) می باشد.

کلیسای قرن نین نیز، با اختلاطی از مسیحیت و بت پرستی، گرفتار وضعیت اسفباری شده بود.

در آن زمان، بسیاری از کاهنان مرد و زن بت پرست، در روم و یونان وجود داشتند که به پرستش خدایان مشغول بودند.

از خود بی خود شدن، خلستگی و دیوانه وار رفتار کردن، روشهای بسیار معمولی بود که در مجالس عبادتی شان به کار می بردند. به باور غلط آنها، به توسط این اعمال، از عالم جسمانی خارج شده، به فضا رفته و به خدایانی که در حال پرستش آنان بودند می پیوستند و با آنها ارتباط برقرار می کردند. آنگاه، به محض ایجاد ارتباط با خدایان، به زبانهایی که به عقیده آنها زبان خدایانشان بود، تکلم می کردند.

تکلم به زبانها

در صورتیکه، واژه یونانی گلو سولی لیا (Glossolalia) که به فارسی زبانها ترجمه شده، توسط نویسندگان عهدجدید اختراع نشده، بلکه اصطلاحی است که در فرهنگ روم و یونان باستان (Greco-Roman) برای بیان حالت خلسگی بت پرستان، یعنی خارج از بدن شدن و به خدایان پیوستن و به شکل مرموزی به زبان خدایان تکلم کردن، که البته اصوات بی مفهومی بود، بکار می رفت.

یونانیان برای بیان این نوع تجربه از خود بی خود شدن در بین بت پرستان، واژه eros را اختصاص دادند که گاهی به عشق احساسی نیز ترجمه می شود.

اما واژه یونانی erosis که هم خانواده آن هست، مفهوم شهوانی یا در طلب رسیدن به اوج احساسات را می دهد.

با مطالعه مذاهب بت پرست دوران باستان، در می یابیم که، بت پرستان و کاهنان زن و مرد، هنگام پرستش در معابد به اعمال گناه آلود جنسی و احساسی و عیاشی می پرداختند.

پس مذاهب اسرار آمیز زمان بابل سرچشمه اعمالی است که وارد جامعه قرنتس شده بود.

می توان گفت که نهضت کریزماتیک قرن ۲۰ نیز زائیده آنچه در شهر قرنتس بود، می باشد. حاصل این نهضت کاذب، کلیساهای مرده ای است که به دلیل عدم تعلیم صحیح کتاب مقدس نسبت به کار روح القدس، سالهاست که به هیجانات و احساسات متوسل شده اند.

بنابراین، شیطان وارد شده، و آنجا را غرق اعمال کاذبانه اش می کند. بدین وسیله بار دیگر شاهدیم که برخی از کلیساهای امروزی به روش بت پرستان پیوسته اند. بعبارتی، در برخی موارد شاهد توسعه مسیحیتی هستیم که بر مبنای احساس، هیجان، تجربه و از خود بی خود شدن بنا شده است و فقط رنگ و لعاب مسیحی دارند.

متأسفانه تاثیر مخرب این گونه نهضت های کاذب، فرا فرقه ای است، بطوریکه تنها به کلیساهای کاریزماتیک و پنطیکاستی محدود نمی باشد.

مسیحیان در این روزها باید هوشیار و مواظب باشند که مثل اعضای کلیسای قرنتس، تحت تاثیر اینگونه نهضت های کاذب که بر مبنای هیجان، احساسات و از خود بیخود شدن هستند، نشوند. پولس رسول باب ۱۴ اول قرنتیان را با این هدف می نویسد تا کلیسا را از این گونه اعمال اصلاح کند.

از این جهت او بحث خود را با ثانوی بودن مرتبه عطای زبانها نسبت به سایر عطایا آغاز می کند و در این رابطه به ذکر سه دلیل می پردازد که، ما در این جلسه فقط اولین دلیل، که در مقایسه با عطای نبوت می باشد را، بررسی خواهیم کرد.

سه دلیل مبنی بر ثانوی بودن عطای زبانها نسبت به سایر عطایای روح القدس

پولس در آیه اول اینگونه بحثش را آغاز می کند:

آیه ۱ ...

اول قرنتیان ۱۴ : ۱ در پی محبت بکوشید و عطایای روحانی را به غیرت بطلبید، خصوصاً اینکه نبوت کنید.

عبارت "در پی محبت بکوشید" در واقع نتیجه گیری باب ۱۳ می باشد. اگر بخاطر داشته باشید، مطالب باب ۱۳ نیز، در پی آنچه در آخر باب ۱۲ به آنها گفته بود، می باشد.

پولس در نتیجه گیری باب ۱۲ به اعضای کلیسای قرنتس گفته بود که شما حرص عطایای نمایی را می خورید، شما همه اش در طلب عطایای ظاهری هستید، یعنی عطایایی که به چشم می خورند، مجلس گرم کن هستند، معرکه بپا می کنند و نفس شما را ارضاء می کنند، هستید، اما من قصد دارم که یک راه عالی تری را به شما نشان دهم، و آن این است که بجای اینها، در پی محبت باشید.

سپس باب سیزدهم را که معروف به باب محبت است را برایشان می نویسد.

پس از شرح آن طریق افضل، یعنی محبت در باب ۱۳، در اینجا یعنی اول قرنتیان ۱:۱۴ به مخاطبینش می گوید، حال که آن طریق افضل را آموختید، در پی آن بکوشید.

کلمه یونانی *dioko* که در اینجا بکوشید ترجمه شده به معنای در پی چیزی دویدن، دنبال کردن، تعقیب کردن است. از آنجائیکه این کلمه به مفهوم آزار و اذیت کردن هم معنی می دهد، می توان گفت که، آنقدر با شدت دنبال محبت باشید تا اذیت شوید.

پس پولس در اینجا می گوید اگر می خواهید چیزی را دنبال، تعقیب یا طلب کنید، بگذارید آن محبت کردن باشد اما در عین حال، اشتیافتان را برای گرفتن عطایا نیز از دست ندهید.

بعبارتی تمایلتان را برای کسب عطایای واقعی روح القدس که باعث رشد و بنای کلیسا می شوند، را حفظ کنید. در ترجمه تفسیری چنین می خوانیم:

اول قرنتیان ۱۴ : ۱ پس ، محبت را مهم ترین هدف زندگی خود بسازید. اما در عین حال مشتاقانه دعا کنید تا روح القدس عطایای روحانی را نیز به شما عنایت فرماید، خصوصاً، عطای نبوت را، یعنی عطای دریافت پیغام از خدا و اعلام آن به دیگران. (ترجمه تفسیری)

مفهوم عطای نبوت

در انتهای آیه اول (ترجمه کلاسیک)، پولس می گوید " خصوصاً اینکه نبوت کنید ". بعبارتی از آنها می خواهد که وقتی جمع می شوند بجای اینکه با تکلم به زبانها جلسه را بهم زده، هرج و مرج راه بیندازند، از عطای نبوت که روشن و واضح عمل می کند، استفاده کنند.

مفهوم عطای نبوت را قبلاً مفصلاً بررسی کردیم. در اینجا مختصراً عرض کنم که کلمه یونانی *propheteuo* که در اینجا نبوت ترجمه شده یک کلمه ترکیبی است که *pro* یعنی در مقابل و *phemi* به مفهوم سخن گفتن می باشد. بنابراین *phropheteuo* یعنی در مقابل جمع سخن گفتن، که بعبارتی همان موعظه یا اعلان کردن مطلبی در مقابل جمع را معنی می دهد.

شاید برخی تصور کنند که نبوت به معنای پیشگویی است، اما این مفهوم در دوران تاریک کلیسا (قرون وسطی) جایگزین معنی اصلی آن شد (یعنی پیشگویی بجای موعظه).

البته این توضیح رو هم بدهم که در عهدعتیق وقتی انبیا پیام خدا را برای اولین بار اعلام می کردند جنبه مکاشفه ای و پیشگویی داشت، ولی در این دوران که رسالت آنها خاتمه پیدا کرده، معلمین، واعظین و مبشرین حقایق کلام ثبت شده یا الهامی خدا را برای مردم بازگو می کنند.

پس، پولس در اینجا (آیه ۱) به مخاطبینش می گوید، وقتی در کلیسا جمع می شوید بجای اینکه همه یکصدا با کلمات بی معنی دعا کنید، یکی باید از بین شما برخیزد، و از کلام خدا برای شما بگوید (موعظه کند).

موضوع اصلی در اینجا این است که وقتی در کلیسا برای عبادت جمع می شویم باید کلام خدا گفته و شنیده شود. پولس رسول بیش از هر چیز تاکید می کند که بجای تکلم به زبانها، اعضای کلیسا باید مشتاق شنیدن پیامی باشند که به زبان قابل فهم بیان شود.

بدیهی است که دلیل ثانوی بودن عطای زبانها بخاطر عدم درک معنای آن می باشد. این عطا، تنها زمانی کاربرد داشت که، یا قابل درک بود و کسی آن را ترجمه می کرد و یا مثل وقایع اعمال رسولان بعنوان یک نشانه بکار گرفته می شد. خدا هیچگاه قصد نداشت که از این عطا بعنوان نصیحت، تشویق و تعلیم برای بنای کلیسا استفاده کند.

بلکه هدف از استفاده عطای تکلم به زبانها همیشه این بود که بعنوان یک نشانه به مردم بفهماند که خدا دارد کار می کند و از طریق پیام رسولانش با مردم سخن می گوید.

پولس رسول در ادامه رساله، برای اصلاح اشتباهات اعضای کلیسا نسبت به سوء تعبیر و استفاده غلط عطای زبانها به آنها نه تنها اشتباهاتشان را گوشزد می کند، بلکه در رفع آن، کاربرد صحیح آن را نیز برایشان شرح می دهد.
آیه ۲ ...

در این راستا پولس در آیه ۲ می گوید:

اول قرنثیان ۱۴ : ۲ زیرا کسی که به زبانی سخن می گوید، نه به مردم بلکه به خدا می گوید، زیرا هیچ کس نمی فهمد لیکن در روح به اسرار تکلم می نماید.

پولس رسول در اینجا خطاب به اعضای کلیسای قرنتس که به تقلید از بت پرستان آن زمان به زبانی تکلم می کردند، می گوید:

زیرا، مخاطب شخصی که ورد می خواند انسان نیست بلکه به تصور خود، دارد در عالم روحانی به اسرار با خدایی سخن می گوید.

اجازه بدید تا یک اصل روحانی رو یادآور بشم:

هدف از اعطای عطایای روحانی خدمت به مردم است. هیچ کدام از آنها برای خدا بکار گرفته نمی شوند. عبارتی خدا تمام عطایای روحانی را برای بنای کلیسا یا بدن مسیح، یعنی خدمت به یکدیگر، به کلیسا بخشیده است.

خدا نیازی ندارد که ما آنها را برای خدمت به او بکار بگیریم، چون خدا نقصی ندارد که بخواهیم بنا یا اصلاح کنیم.

با این گفته پولس در می یابیم که او به نوعی دارد به آنها می گوید که، شما در رابطه با کاربرد عطای زبانها، از همین ابتدای کار ابتدایی ترین اصل کاربرد عطایا را زیر پا گذاشته اید.

یعنی بجای اینکه آن را برای اعضا به کار بگیرید دارید آن را برای خدا استفاده می کنید. مثل این می ماند که من موعظه هایم را بجای اینکه برای کلیسا استفاده کنم به خدا بگویم.

علاوه بر این، ما در ساختار جمله یونانی این آیه، واژه *anarthrous* را داریم، که فاقد حرف تعریف *the* می باشد. بنابراین، می تواند هر خدایی باشد. از این جهت می توان آن را "یک خدا" یا "خدایی" ترجمه کرد. پس، پولس در اینجا به اولین اشتباه کاربردی آنها اشاره می کند و می گوید،

"شما در عبادت کلیسایی تان، با از خود بی خود شدن و ورد خواندن، تصور می کنید که دارید با خدایی سخن می گوئید. در صورتیکه خدا نیازی ندارد که شخصی در آن حالت، آن هم با اصوات بی معنی با او سخن بگوید. بجای اینکار، تلاش کنید تا با پیامهای کلام خدا کلیسا را بنا کنید."

اجازه بدید تا با پخش چند کلیپ، بهتر متوجه عمق فاجعه بشیم:

پخش کلیپ کنت کولپند و رادنی هاوارد

متاسفانه کاریزماتیکیها، اول قرنیتیان ۱۴ : ۲ را به گونه ای دیگر تفسیر می کنند. آنها به غلط از این آیه نتیجه می گیرند که خدا به توسط این عطا به مسیحیان یک زبان خصوصی یا شخصی می دهد تا بتوسط آن با او گفتگو یا دعا کنند.

در صورتیکه پولس در اینجا دارد عکس این قضیه را بیان می کند، و درست برعکس، اینکار را محکوم می کند. او می گوید که شما هدف را اشتباه گرفتید، کاربرد عطایا برای خدمت به کلیسا یعنی مسیحیان است. خداوند هیچگاه با کسی به زبان بیگانه سخن نگفته و از هیچ کس انتظار ندارد که با الفاظ بی معنی با او حرف بزند.

اگر رسالات را مطالعه کنید در خواهید یافت که تمام دعاهائیکه به حضور خدا بیان شده همه با مفهوم بوده اند. این اصل در تمام دعاهای کتاب مقدس رعایت شده. حتی عیسی مسیح وقتی داشت دعا کردن را به شاگردان آموزش می داد به آنان چنین گفت:

متی ۶ : ۷ و چون عبادت کنید، مانند آنها تکرار باطل مکنید زیرا ایشان گمان می برند که به سبب زیاد گفتن مستجاب می شوند. (ترجمه کلاسیک)

عبارت "تکرار باطل" در این آیه، ترجمه یک عبارت ترکیبی یونانی *battalogo* می باشد، که فعل آن واژه *logo* از ریشه لوگوس به مفهوم "سخن گفتن" است و پیشوند آن، کلمه *batta* می باشد.

جالب اینجاست که واژه یونانی *batta* دارای معنی خاصی نیست. ما هم از این گونه واژه ها در فارسی استفاده می کنیم. مثلاً می گوئیم:

سگه واق واق کرد.

آلکس هر روز با جیک جیک پرنده ها بیدار می شه.

واژه های مثل واق واق، جیک جیک، زرزِر، قرچ و قروچ یا تته پته فقط به تقلید از صدایی که می شنویم، بوجود آمده اند و بار معنایی ندارند. به همین دلیل، متی ۶ : ۷ در ترجمه تفسیری اینگونه برگردان شده است.

متی ۷:۶ وقتی دعا می کنید، مانند کسانی که خدای حقیقی را نمی شناسند، وردهای بی معنی تکرار نکنید. ایشان گمان می کنند که با تکرار زیاد، دعایشان مستجاب می شود. (ترجمه تفسیری)

از این آیه می فهمیم که خدا به اینگونه سخنان هیچ علاقه یا توجهی ندارد. این رفتارها فقط مختص بت پرستان و بی خدایان است.

بعلاوه، از این آیه در می یابیم که، عیسی مسیح می دانست که در آن زمان، بت پرستان در عبادت خدایانشان از ورد و الفاظ نامفهوم استفاده می کردند و همچنین می دانست که یهودیانی هم بودند که در دعاهایشان از روش بت پرستان تقلید می کردند. به همین دلیل عیسی مسیح برای پیروانش کاملاً روشن ساخت که خدا می خواهد با او با فصاحت و بلاغت سخن بگویند.

نکته دیگر آنکه، هنگامیکه مسیح در باغ جتسیمانی نزد پدر دعا می کرد از زبان اسرارآمیز آسمانی استفاده نکرد، پس چرا بعضی تصور می کنند که باید طور دیگری دعا کنند؟

همچنین زمانی که عیسی مسیح در مقابل قبر ایلعازر ایستاد و نزد پدر دعا کرد تا ایلعازر زنده شود، به زبان رمز نبود. یوحنا رسول تمام کلمات آن دعا را شنید و در انجیلش آنها را ثبت نمود. به همانطور او دعای شخصی ای را که عیسی مسیح نزد پدر داشت نیز ثبت کرد.

اما اعضای جسمانی کلیسای قرنتس مثل بسیاری از کاریزماتیکهای امروزی بخاطر جلب توجه دیگران و ارضاء نفس خود، از عطای به ظاهر زبانها، مثل یک مدال، درجه یا مزئیت روحانی استفاده می کنند و با افتخار ادعا دارند که به مرحله ای ارتقاء یافتند که خدا به آنها یک زبان خصوصی بخشیده تا بتوسط آن به طرز اسرارآمیزی در عبادتهای شخصی شان، با او حرف بزنند.

خیر عزیزان، این عمل کاملاً اشتباه و روش بت پرستان است.

علاوه بر این، آنها باور داشتند که اسراری که به زبانها با خدایانشان مطرح می کنند فقط برای پذیرفته شدگان خدا قابل درک است. در صورتیکه از کلام خدا در می یابیم که همه مسیحیان، از طرف خدا پذیرفته شده و فرزندان او گشته اند.

زبان اسرار آمیزی که آنها استفاده می کردند نه به درد خودشان و نه باعث بنای کلیسا بود، چون هیچ کس مفهوم آن را نمی فهمید.

بنابراین، پولس در آیه بعدی (آیه ۳) چنین نتیجه گیری می کند.

آیه ۳ ...

اول قرنتس ۱۴ : ۳ اما آنکه نبوت می کند، مردم را برای بنا و نصیحت و تسلی می گوید.

پولس در این آیه نتیجه می گیرد که بهتر است مردم را با نبوت یعنی موعظه کلام خدا، تسلی، نصیحت و بنا کنید. همه ما مسیحیان ایماندار می دانیم که وقتی کلام خدا را بیان می کنیم، در زندگی مردم تغییرات بوجود می آید، اول اینکه مردم از رنج هایشان تسلی می یابند. دوم اینکه آنها تشویق می شوند تا اعمال نیک انجام دهند و سوم اینکه باعث بنای آنها می شود.

پس بجای اینکه در عبادتهای کلیسایی، جمع شویم و با الفاظ بی معنی مثل بلا بلا وقت خود را تلف کنیم، بهتر آن است که کلام خدا را اعلام کنیم.

آیه ۴ ...

پولس در آیه چهارم موضوع را بسط داده می گوید.

اول قرن‌تینان ۱۴: ۴ هر که به زبانی می گوید، خود را بنا می کند، اما آنکه نبوت می نماید، کلیسا را بنا می کند.

در اینجا پولس به هدف کلی این بخش، یعنی بنای کلیسا اشاره می کند و می گوید که بجای اینکه در پی بنای خود باشید، باید بکوشید تا کلیسا را بنا کنید. خدا عطایای روح القدس را برای بنای کلیسا اعطا می کند. اگر کسی از عطای روحانی برای بنای خود استفاده کند، در واقع دارد آن را مورد سوء استفاده قرار می دهد. چون این عطا متعلق به شخص نیست بلکه به کلیسا یعنی بدن مسیح تعلق دارد.

شاید بعضی بپرسید پس چرا پولس در این آیه می گوید کسی که به زبانی سخن می گوید خود را بنا می کند؟ در پاسخ باید گفت که این تصور غلط اعضای کلیسای قرن‌تینان بود.

به خیال آنها، استفاده از آن زبان بی معنی ای که فکر می کردند زبان اسرار آمیز است، خود را بنا می کنند. در صورتیکه پولس می گوید که آن زبان بی معنی، هیچ فایده ای ندارد.

علاوه بر این، پولس رسول در انتهای آیه ۵ می گوید، اگر هم کسی عطای واقعی زبانها را داشته باشد و می خواهد آن را در کلیسا استفاده کند، باید ترجمه شود و پس از اینکه ترجمه شد، باعث بنای کلیسا خواهد شد.

در اینصورت، عطای ترجمه زبانها باعث بنای کلیسا خواهد بود.

آیه ۵ ...

اول قرن‌تینان ۵:۱۴ و خواهش دارم که همه شما به زبانها تکلم کنید، لکن بیشتر اینکه نبوت نمایند زیرا کسی که نبوت کند بهتر است از کسی که به زبانها حرف زند، مگر آنکه ترجمه کند تا کلیسا بنا شود.

جالب است که بدانیم که وقتی عطای واقعی زبانها در کلیسای قرن‌تینان استفاده می شد، خدا از آن بعنوان یک نشانه استفاده می کرد. علاوه بر این، وقتی خدا از عطای زبانها در کلیسا استفاده می کرد، همیشه کسی بود که با عطای دیگری آن را ترجمه کند. از آنجائیکه عطای زبانها بدلیل نامفهوم بودنش قادر به بنای کلیسا نبود، خدا از طریق عطای ترجمه زبانها، مفهوم آن را آشکار می کرد و باعث بنای کلیسا می شد.

علاوه بر اولین کاربرد اشتباه زبانها یعنی سخن گفتن با خدا به اسرار، دومین اشتباه کاربرد عطای زبانها، استفاده شخصی آن بود.

اعضای کلیسای قرن‌تینان تصور می کردند که با عطای زبانها قادر به بنای خود می باشند. یکی از شخصیت‌های معروف کاریزماتیک بنام آقای Donald Gee در این رابطه می گوید:

مهمترین هدف استفاده از عطای زبانها عبادت است.

شخص دیگری بنام آقای Larry Christenson می گوید که او از عطای زبانها بیشتر در عبادت شخصی اش استفاده می کند.

بنظر این آقایان، "عبادت شخصی"، بیشترین کاربرد و فایده عطای زبانهاست.

من بارها از پای منبر کلیساهای کاریزماتیک شنیدم که چطور کشیشان و رهبران کلیساها اعضایشان را به استفاده شخصی از زبانها تشویق می کنند.

در صورتیکه پولس رسول درست برعکس این مطلب را در رساله اش بیان می کند. او می گوید که کاربرد عطای زبانها، نه برای خدا و نه برای استفاده شخصی است. کاربرد اصلی این عطا، مثل سایر عطایا، بنای اعضای کلیساست. پس اگر کسی در آن زمان داشت از عطای واقعی زبانها برای خدا یا خودش استفاده می کرد، در اشتباه بود.

در آیه ۴، عبارت "هرکه به زبانی می گوید، خود را بنا می کند" یک عبارت تقریباً طعنه آمیز است.

پولس قبلاً در رابطه با اینکه این گونه حرکات خود محورانه تذکر داده بود.

بعنوان مثال، او در باب ۸ در اشاره به خوردن گوشت قربانیها مثالی می آورد و چنین می گوید:

اول قرنهای ۸ : ۱۰ الی ۱۳ ممکن است شخصی که خوردن گوشت قربانی را درست نمی داند، ببیند که شما در نهارخوری بتخانه نشسته اید و بدون هیچ وسواسی، مشغول خوردن چنین گوشتی هستید. در نتیجه او نیز جرأت پیدا کرده، از آن خواهد خورد، اما در تمام مدت احساس گناه خواهد کرد. به این ترتیب، "دانایی" شما به برادر حساسی که مسیح جاننش را برای او فدا کرد، صدمه روحانی شدیدی می زند. شما او را به انجام کاری تشویق کرده اید که او آن را خطا می پندارد، و با این عمل، نسبت به او گناه کرده اید، و گناه به برادرتان، گناه به مسیح است. پس اگر خوردن گوشتی که برای بت قربانی شده است، باعث گناه کردن برادر من می شود، من تا عمر دارم از آن نخواهم خورد، مبادا باعث لغزش او شوم. (ترجمه تفسیری)

آیه ۱۰ در ترجمه کلاسیک چنین آمده:

اول قرنهای ۸ : ۱۰ زیرا اگر کسی تو را که صاحب علم هستی ببیند که در بتکده نشسته‌ای، آیا ضمیر آن کس که ضعیف است به خوردن قربانی‌های بتها بنا نمی‌شود؟ (ترجمه کلاسیک)

واژه "بنا" در این آیه، همان واژه ایست که پولس در اول قرنهای ۱۴ : ۳ استفاده کرده است، اما در اینجا مفهوم منفی دارد. پس بنا کردن می تواند دو جنبه مثبت و منفی داشته باشد.

نتیجه اینکه، وقتی که عطای روح القدس برای کلیسا استفاده شود، باعث بنا می گردد، اما وقتی آن را بطور شخصی بکار بگیرد باعث لغزش یا خرابی خواهد شد.

بیائید با نگاهی به چند آیه دیگر موضع "بنا" را بیشتر باز کنیم.

پولس در اول قرنهای ۱۰:۲۳ می گوید:

اول قرنهای ۱۰ : ۲۳ همه چیز جایز است، لیکن همه مفید نیست؛ همه رواست، لیکن همه بنا نمی‌کند. (ترجمه کلاسیک)

سپس ادامه می دهد:

اول قرن‌تینان ۱۰ : ۲۴ هرکس نفع خود را نجوید، بلکه نفع دیگری را. (ترجمه کلاسیک)

بعبارتی پولس در اینجا می‌گوید، برای یک شخص بالغ مسیحی، انجام بسیاری از کارها در جهت بنای خودش جایز است، اما شما کارهایی را انجام بدهید که باعث بنای دیگران خواهد شد. چون پولس در اول قرن‌تینان ۱۳ : ۵ می‌گوید کسی که محبت دارد:

اول قرن‌تینان ۱۳ : ۵ نفع خود را طالب نمی‌شود. (ترجمه کلاسیک)

پس دعوت خدا از ما مسیحیان این است که از خود گذشته، با توجه به دیگران، نفع آنها را در نظر بگیریم. اگر حتی کسی عطای واقعی روح القدس را داشته باشد و برای نفع شخصی خودش بکار بگیرد، قطعاً او از روی محبت عمل نمی‌کند. کلام خدا به روشنی بیان نموده که اگر شخصی قادر به سخن گفتن به تمام زبانهای دنیا و حتی فرشتگان باشد اما محبت نداشته باشد، مثل یک سنج پر سر و صدا و طبل پوچ و خالی است.

در آخر، باید اشاره کنم که پولس در ادامه مطالبش در این فصل، با اشاراتی به عطای واقعی روح القدس و کاربرد صحیح آن در کلیسا سخنانش را موزون می‌کند.

در این راستا او در انتهای آیه ۵ می‌گوید:

اول قرن‌تینان ۱۴ : ۵ خواهش دارم که همه‌ی شما به زبانها تکلم کنید، ...

حال ممکنه که سوال بشه چرا پولس این را می‌گوید؟

پاسخ این سوال را از گفته‌های قبلی پولس می‌توانیم بیابیم. برای اینکار به اول قرن‌تینان ۱۲:۳۰ مراجعه کنید.

اول قرن‌تینان ۱۲ : ۲۹ و ۳۰ آیا همه رسول هستند، یا همه انبیا، یا همه معلمان، یا همه قوأت؟ یا همه نعمتهای شفا دارند، یا همه به زبانها متکلم هستند، یا همه ترجمه می‌کنند؟ (ترجمه کلاسیک)

البته پاسخ منفی است. حال به این آیه توجه کنید!

اول قرن‌تینان ۱۲ : ۱۱ اما کلیه‌ی این عطایا کار یک روح واحد است و او آنها را بر طبق اراده‌ی خود به هرکس عطا می‌فرماید. (ترجمه مزده)

از این آیات نتیجه می‌گیریم که سخن پولس در آیه ۵ که می‌گوید ای کاش همه به زبانها حرف می‌زدید، از لحاظ دستوری یک صنعت اغراق (hyperbole) است. مثل این است که بگوییم ای کاش می‌شد، همه پرواز می‌کردیم! پولس در جای دیگر این رساله از این روش استفاده کرده.

مثلاً در اول قرن‌تینان ۷ : ۷ در مورد ازدواج چنین می‌گوید:

اول قرن‌تینان ۷:۷ کاش همه‌ی شما در این مورد مانند من باشید، اما خداوند به هرکس استعداد خاصی داده است، به یکی، یک جور و به دیگری به نحوی دیگر. (ترجمه کلاسیک)

آیا پولس داشت یک دستور الهی صادر می‌کرد که همه باید مجرد باشند؟ البته خیر

این دقیقاً کاریست که پولس در اول قرن‌تینان ۱۴ : ۵ می‌کند. اما توجه داشته باشید که مطلب اصلی در اینجا، ثانوی بودن عطای زبانها نسبت به عطایای دیگر است. چون در ادامه می‌گوید ...

اول قرنیتان ۱۴ : ۵ . . . اما بیشتر دلم می خواهد که نبوت کنید، زیرا نبوت کردن بهتر است ... (ترجمه تفسیری)

پولس حتی در بخش دوم آیه هم، از صنعت اغراق استفاده کرده تا بتواند منظورش رو برساند. پس معنی این آیه این می‌شود که:

ای کاش دست من می بود، ای کاش همه می تونستید به زبانها صحبت کنید، ولی ترجیه می دهم که همه نبوت کنید چون کسی که نبوت می کند بیشتر باعث بنای کلیسا می شود، از این جهت که سخنانش رو همه می فهمند.

استدلال پولس این است که عطای نبوت همه را بنا می کند، اما عطای زبانها این کاربرد را ندارد. بعبارتی عطای زبانها قادر به تقویت، تشویق و تسلی ایمانداران نیست، اما نبوت باعث رشد و بنای کلیساست.

لازم به یادآور است که هدف از جمع شدن و مشارکت کلیسا، علاوه بر پرستش خدا، بنای آن نیز هست. پولس این حقیقت را در آیات ۲۶ و ۱۲ به این مورد اشاره می کند.

اول قرنیتان ۲۶:۱۴ پس ای برادران مقصود این است که وقتی جمع شوید، هر یکی از شما سرودی دارد، تعلیمی دارد، زبانی دارد، مکاشفه ای دارد، ترجمه ای دارد، باید همه به جهت بنا بشود. (ترجمه کلاسیک)

در آیه ۱۲ پولس یادآور می شود که هدف از کاربرد عطایای روحانی بنای کلیساست.

اول قرنیتان ۱۲:۱۴ همچنین شما نیز چونکه غیور عطایای روحانی هستید، بطلبید اینکه برای بنای کلیسا افزوده شوید. (ترجمه کلاسیک)

بعنوان مثال در آیه ۴ می گوید "آنکه نبوت می کند کلیسا را بنا می کند"، آیه ۵ "تا کلیسا بنا شود"، آیه ۳۱: "همه می توانید یک یک نبوت کنید تا همه تعلیم یابند و همه نصیحت پذیرند".

پس می بینید که چطور در این آیات پولس کاربرد عطایا را در بنای کلیسا یادآور می شود. او مرتب تکرار می کند که هدف از استفاده عطایا، رشد، یادگیری و بنای کلیساست اما عطای واقعی زبانها قادر به اینکار نیست، دیگر چه رسد به نوع تقلبی یا جعلی آن که در کلیسای قرننتس بسیار معمول شده بود.

عزیزان همانطور که در ابتدای سخنانم عرض کردم، قصد پولس در این بخش از رساله این است که به سه دلیل ثابت کند که عطای تکلم به زبانها نسبت به سایر عطایا ارزش ثانوی دارد.

امروز به اولین استدلال او، که مقایسه ای بین عطای تکلم به زبانها و عطای نبوت بود پرداختیم، و در جلسه آینده مطلب را با دو استدلال دیگر او پی خواهیم گرفت.

در درس بعدی به بررسی دومین قسمت مرتبه عطای سخن گفتن به زبانها، خواهیم پرداخت.

فیض و برکت خدا با همه شما باشد و بماند. خدا نگهدار